

---

## جایگاه قدرت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در روابط بین‌الملل و توانایی‌های ایران در بهره‌برداری از آنها برای حفظ و پیشرفت کشور

---

حسین علایی\*

### دیباچه

هر کشوری متناسب با میزان قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود دارای جایگاهی در نظام بین‌الملل است که آن کشور را در نیل به اهداف خود یاری می‌رساند. جایگاه یک کشور در نظام بین‌المللی به مفهوم میزان اعتبار، نفوذ و تأثیرگذاری آن کشور در «سیاست‌گذاری‌ها» و «تصمیم‌گیری‌های جهانی» است. قرار گرفتن هر کشور در دسته‌بندی‌های قدرت بین‌المللی در سطوح قدرت جهانی، قدرت منطقه‌ای یا

---

\* سردار دکتر حسین علایی، دانشیار دانشگاه امام حسین (ع) است.  
(alaei\_hossein@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال نهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۳۷-۱۱.

قدرت‌های کوچک، توان متفاوتی به یک کشور از نظر استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی برای پیشرفت و توسعه ملی می‌دهد. از طرفی میزان پیشرفت و توسعه اقتصادی هر کشور حاکی از کارآمدی یا ناکارآمدی سیاست‌های آن کشور در نظام بین‌الملل است. سیاست بین‌الملل چالشی برای کسب قدرت و تأمین منافع ملی کشورها است. هر کشوری در صحنه روابط بین‌المللی به دنبال تأمین منافع خود و نیل به اهداف تعیین شده ملی است و تنازع اهداف و منافع قدرت‌ها بر سر منابع کمیاب همواره جزء ذات تعاملات بین‌المللی بوده است. کشورها از ابزارهای قدرت سخت و نرم خود برای کنترل سایر کشورها و تأثیر بر رفتار آنها بهره می‌برند.

ایران کشوری با منابع متنوع و غنی و دارای جایگاه ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در جنوب غرب آسیا و در خاورمیانه است. وضعیت جغرافیایی و قرار داشتن ایران در کنار دریای مازندران و خلیج فارس، قدرت مهمی را در اختیار کشور قرار می‌دهد. از شمال آفریقا تا شرق آسیا، ایران تنها کشوری است که در فضای داخلی خود تمام بنیان‌های انسانی، محیطی، سرزمینی، جغرافیایی و منابع طبیعی را برای پیشرفت و قدرتمند شدن و تولید کردن داراست. در بین کشورهای جهان، ایران در مجموعه کشورهای قرار دارد که سرمایه انسانی و امکانات طبیعی مناسب برای توسعه را در اختیار دارد. ایران به دلیل دارا بودن ذخائر نفت و گاز و توانایی صادرات انرژی و نیز قرار گرفتن در ساحل خلیج فارس جایگاه مهمی را در اقتصاد جهانی دارد. در ایران ظرفیت‌های عظیمی از نظر سرمایه انسانی و اجتماعی وجود دارد تا جمهوری اسلامی به کشوری صاحب نفوذ از نظر مالی و اقتصادی و در نتیجه دارای قدرت سیاسی و فرهنگی تبدیل شود. با این حال سهم ایران در اقتصاد و تجارت جهانی با توجه به جمعیت، وسعت، منابع و موقعیت مناسب منطقه‌ای اندک است. بنابراین اقتصاد ایران از دیدگاه رشد و تجارت و همچنین جلب و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی از درهم‌آمیزی با اقتصاد جهانی از امکانات مناسب استفاده نشده‌ای برخوردار است. (رضایی و مبینی دهکردی، ۱۳۸۵: ص/۳۳۲)

روابط خارجی مناسب و توسعه همکاری با کشورهای جهان می‌تواند بازار مناسبی را

برای صادرات محصولات ایرانی فراهم آورد و صنایع ایران را از فناوری روز دنیا و بازارهای مالی جهانی برخوردار کند. این مقاله به چگونگی امکان بهره‌گیری از قدرت‌های سخت و نرم در سطح جهانی برای حفظ و پیشرفت ایران می‌پردازد. روش تحقیق این مقاله توصیفی، تحلیلی و یک مطالعه موردی است. بر این اساس پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش به صورت توصیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

### مفهوم قدرت و به‌کارگیری آن در روابط بین‌الملل

نظام بین‌الملل به مفهوم محیطی است که در آن کشورهای متعدد و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای حضور دارند و راهبردها و سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای را تعیین می‌کنند یا تحت تأثیر قرار می‌دهند. نظام بین‌الملل عبارت است از مجموعه‌ای از بازیگران اعم از دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی و حتی اشخاص حقیقی که در تعامل با یکدیگر هستند و کلیتی منسجم را تشکیل می‌دهند. در نظام بین‌الملل وجود نوعی سامان و نظم آشکار می‌باشد. با وجود آنکه نظام بین‌الملل محصول کنش متقابل اجزای خود می‌باشد، اما با یافتن شکل ساختاری و نهادینه شدن، رفتار بازیگران تشکیل‌دهنده خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حقیقت، این ساختار با تبیین قواعد بازی در عرصه جهانی، عملکرد بازیگران را مشخص و محدود می‌نماید. در دنیای روابط بین‌الملل واژه‌هایی مانند قدرت، نفوذ و اقتدار کلماتی هستند که کاربرد بسیاری دارند. اما استفاده از اشکال مختلف قدرت منحصر به این قلمرو نیست. بشر در تمام سطوح زندگی اجتماعی خود با عامل قدرت سر و کار دارد. معمولاً کشورها برای جلوگیری از جنگ و حفظ تمامیت ارضی از سیاست ایجاد «قدرت بازدارندگی» یا «قدرت تهاجمی» و نیز به‌کارگیری قدرت نظامی به صورت تدافعی استفاده می‌کنند. بنابراین کمتر کلمه‌ای نظیر قدرت را می‌توان یافت که چنین تعاریف وسیع و گسترده‌ای را در حوزه‌های نظامی، اقتصادی، علمی، سیاسی و فرهنگی داشته باشد. به هر حال

قدرت یکی از موضوعات محوری در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی و تعاملات بین کشورها و دولت‌ها است و ابعاد مختلف مادی و معنوی دارد.

در حوزه روابط بین‌الملل «قدرت» به مفهوم قابلیت و توانایی استفاده از ظرفیت‌های فکری، طبیعی و فیزیکی و به عبارتی ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری یک ملت به منظور افزایش جایگاه یک کشور در سطح منطقه‌ای و جهانی است. برخی از اندیشمندان سیاسی، عوامل و عناصر دیگری را نیز به‌عنوان عوامل تشکیل دهنده و مؤثر در قدرت، اعم از نرم و سخت برشمرده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

۱. وضعیت جغرافیایی (شامل: آب و هوا، نوع زمین، وسعت خاک، موقعیت سرزمین از نظر دسترسی به دریا یا مجاورت با سایر کشورها)؛

۲. میزان جمعیت و نحوه پراکندگی آن

۳. ظرفیت صنعتی، ترابری و ارتباطات

۴. استعدادهای علمی و اختراعات و ابتکارات

۵. نظام و ساختار اقتصادی

۶. سازمان اداری؛ دیوان سالاری و دولتی

۷. موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک

۸. فرهنگ و اخلاق اجتماعی

۹. میزان اطلاعات و آگاهی مردم

۱۰. توانمندی‌های نظامی، امنیتی و انتظامی

۱۱. راهبرد ملی و اراده رهبری

۱۲. روحیه ملی

معمولاً به‌کارگیری قدرت در روابط بین‌الملل برای ایجاد تعامل و مصالحه بین کشورهاست. بعضی از قدرت‌های بزرگ از به‌کارگیری انواع قدرت جهت اعمال فشار بر کشورهای هدف استفاده می‌کنند. مدل ارزیابی هزینه - فایده چگونگی استفاده از قدرت‌های سخت و نرم را در روابط بین‌الملل مشخص می‌سازد. قدرت نرم می‌تواند با

کمک دیپلماسی فعال، ائتلاف بین‌المللی را ایجاد کند. تحولات دهه‌های اخیر در حوزه روابط بین‌الملل، حاکی از اهمیت مقوله فرهنگ در دستیابی به اهداف و بهبود روابط میان دولت‌ها است؛ به نحوی که امروزه شاهد ظهور و تشکیل اتحادیه‌های فرهنگی در عرصه جهانی بوده تا از این طریق، زمینه تنازعات و چالش‌های بین‌المللی، برطرف و موجب هم‌گرایی دولت‌ها و ملت‌ها گردد. از این رو کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و یا به تعبیری، دسترسی به قدرت نرم از جمله اهداف مهم و در عین حال تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است که این مهم به تناسب موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و مکانیسم‌های مختلف، تعقیب می‌گردد. چه زبان، فرهنگ زبان ملایمی است که می‌تواند زمینه‌ساز و حامی روابط رسمی میان دولت‌ها و نیز مانع بروز بحران‌های خشونت‌بار در عرصه روابط بین‌الملل گردد. از این رو دولت‌ها درصدد تحکیم بنیان‌های معرفتی فرهنگ خود و تعمیم ارزش‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های تولید شده به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود می‌باشند، تا یکی از ابزارهای اعمال قدرت را در کنار قدرت سیاسی و نظامی (قدرت سخت) همراه خود نموده و با استعانت از سازوکار اقلان فرهنگی به جای کاربرد زور، اذهان و افکار عمومی جهانیان را در راستای منافع و اهداف خود هم سو نمایند. مفاهیم قدرت سخت و قدرت نرم به‌عنوان دو قطب از یک زنجیره قدرت در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌گیرد. در این بخش به تشریح این دو مفهوم می‌پردازیم.

### مفهوم قدرت سخت

قدرت سخت (Hard power) به مفهوم توانمندی‌های نیروهای مسلح یک کشور و ظرفیت‌های پشتیبانی از نیروهای نظامی است که دست دولتمردان را برای به‌کارگیری آنها در حوزه منافع ملی باز می‌گذارد. نیروهای مسلح نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در قدرت سخت یک کشور و همچنین موفقیت در سیاست خارجی یک کشور دارند. در

طول تاریخ، قدرت سخت نیروهای نظامی از اصلی‌ترین ابزار قدرت واحدهای سیاسی محسوب می‌شده‌اند و نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به فرآیندهای سیاسی در سطح کشور، منطقه و ساختار قدرت در نظام بین‌المللی داشته‌اند. در قدرت سخت از ابزارهای مستقیم قهریه که به‌کارگیری زور و تهدید همراه است استفاده می‌شود. (پورااحمدی، ۱۳۸۹:۵۲) امروزه نقش و کارکرد ویژه نیروهای نظامی علاوه بر پیشگیری از بروز جنگ، بیشتر در اشکال غیرجنگی همچون «دیپلماسی قایق‌های توپدار»، «نمایش قدرت» و «دیپلماسی چماق و هویج» متجلی می‌گردد. (Engelhardt, 2004) بنابراین قدرت سخت به شکل غیرجنگی به منظور تأثیرگذاری بر روی فرآیند تصمیم‌گیری کشورهای هدف و یا وادار کردن آنها به اقدام مشخصی به کار گرفته می‌شود. نیروهای نظامی ضمن صیانت از موجودیت خود و منافع کشور در محیط پر تنش و چالش‌انگیز بین‌المللی، ابزاری مؤثر در تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری حریفان و مداخله در محاسبه سود و زیان توسط آنها می‌باشند. راهبردهای معطوف به استفاده از قدرت سخت بر به‌کارگیری «قدرت نیروهای نظامی»، «دیپلماسی قهری» و «تحریم‌های اقتصادی» جهت نیل به منافع ملی تمرکز دارند که معمولاً از سوی قدرت‌های بزرگ بکار گرفته می‌شوند. به‌کارگیری این نوع راهبردها به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با بعضی از کشورها منجر می‌شود. کشوری که نسبت به رقیب دارای قدرت نظامی بیشتر و توانمندتری است هم در مقابل دیگران احساس امنیت می‌کند و هم از موقعیت برتری نسبت به سایر کشورها در تعاملات بین‌المللی برخوردار است. بنابراین وجود قدرت سخت می‌تواند در تحمیل اراده به دیگران و همچنین تعیین جایگاه کشور در مقایسه با همسایگان، کشورهای منطقه و صحنه بین‌المللی نقش مؤثری بر عهده بگیرد. از قدرت سخت برای دیپلماسی اجبارآمیز (Coercive Diplomacy) نیز جهت متقاعدسازی حریف برای توقف و یا عدم انجام یک عمل نیز استفاده می‌شود. در دیپلماسی اجبارآمیز لزومی در به‌کارگیری عملی نیروهای مسلح وجود ندارد بلکه به طرف مقابل فرصت داده می‌شود تا قبل از توسل به نیروهای مسلح و انجام عملیات نظامی از

اهداف خود عقب نشینی کند. (George, p.71) قدرت سخت ابزار مهمی برای تأمین منافع کشورها جهت دفاع از تمامیت ارضی و حفاظت از حاکمیت موجود و برقراری نظم و قانون و نیز نیل به اهداف از طریق تهدید در به‌کارگیری نیروهای مسلح است. در بسیاری از موارد موفقیت به معنای به‌کارگیری ابزار قدرت سخت در تعاملات بین‌المللی است که با تهدید در به‌کارگیری نیروهای نظامی اعمال می‌شود تا طرف مقابل را وادار به انجام اقدام خاصی بنماید. (Us Army WarCollege, 2006, 219) به‌کارگیری قدرت سخت به‌عنوان ابزار مناسبی برای دیپلماسی همیشه مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. برای مثال جرج شولتز وزیر اسبق امور خارجه آمریکا می‌گوید: «دیپلماسی که با قدرت حمایت نشود در بهترین حالت بی‌اثر و در بدترین حالت خطرناک است». (Shultz, 1985) به‌کارگیری قدرت سخت یکی از پرکاربردترین و مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی آمریکا در متقاعدسازی سایر دولت‌ها برای انجام اعمالی مطابق خواست سیاستمداران ایالات متحده بوده است. (Meernik, 2004, 3) بر همین اساس خانم آلبرایت وزیر خارجه دوران کلینتون می‌گوید: «اگر ما از نیروهای نظامی نتوانیم استفاده کنیم آنها به چه کار می‌آیند». (Smith, 2005, 31) ایران هم تاکنون با برپایی رزمایش‌هایی در خلیج فارس سعی کرده است تا در برابر تهدیدهای آمریکا خود را متعهد به حفظ امنیت خطوط کشتیرانی و باز نگاه داشتن تنگه هرمز و دفاع از جزایر ایرانی در آبهای خلیج فارس نشان دهد. بنابراین دستیابی به اهداف منافع ملی در محیط بین‌المللی و وادار ساختن سایر بازیگران به رعایت مصالح و نظرات یک کشور مستلزم استفاده درست و به موقع از قدرت سخت‌افزاری است.

### مفهوم قدرت نرم

قدرت نرم (Soft power)، به مفهوم توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است و جنس آن از نوع اقتناع و پذیرش است. قدرت نرم، محصول و برآیند «تصویرسازی مثبت»، «ارائه چهره موجه از خود»، «کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی»،

«قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران»، «تابع ساختن اراده دیگران با اراده خویش» و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. به نحوی که امروزه این قرائت از قدرت در مقابل قدرت سخت که توأم با اجبار و خشونت است به کار می‌رود. جوزف نای، محقق برجسته روابط بین‌الملل برای نخستین بار، اصطلاح «قدرت نرم» را در اواخر دهه ۱۹۸۰ به کار برد. وی قدرت نرم را به‌عنوان بخش مهمی از منابع قدرت ملی آمریکا تلقی می‌کند و بر ضرورت بهره‌گیری از آن در سیاست خارجی اصرار دارد. نای نظریه خود در این زمینه را در سال ۱۹۹۰ در کتابی تحت عنوان «ماهیت متغیر قدرت آمریکا» مطرح کرد. (Nye, 2004: 50) وی در سال ۲۰۰۴ کتاب «قدرت نرم، ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» را منتشر نمود. او در این کتاب، ایده‌ها و استدلالات مربوط به قدرت نرم را در متن شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا پس از حملات یازده سپتامبر و به خصوص، جنگ علیه عراق مورد بررسی قرار داده است. از نظر نای، موفقیت در سیاست‌های جهانی، مستلزم استفاده از قدرت نرم به همراه قدرت سخت می‌باشد. لذا کشورهایی در این زمینه موفقند که توجه کافی به کاربرد قدرت نرم داشته باشند. قدرت نرم، توان یک کشور برای دستیابی به اهداف و منافعش از طریق ایجاد جذابیت‌ها و نه اجبار و یا تنبیه می‌باشد. به نظر می‌رسد این جذابیت، از فرهنگ، تفکر و سیاست‌های یک واحد سیاسی در عرصه نظام بین‌الملل ناشی می‌گردد. از «فرهنگ» در قاموس و عرف سیاست بین‌الملل به‌عنوان قدرت نرم یاد می‌شود و عرصه روابط بین‌الملل، به‌شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. قدرت نرم آمریکا در سال‌های اخیر، بر نفوذ این کشور بر اذهان مردم جهان از طریق رسانه‌ها استوار است. از این رو، کسب وجهه و اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی و به عبارتی، دسترسی به قدرت نرم، از جمله اهداف مهم و در عین حال، تصریح نشده دیپلماسی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل است. دستیابی به قدرت نرم متناسب با موقعیت، جایگاه، امکانات، فرصت‌ها

و ظرفیت‌های فرهنگی هر کشور به شیوه‌ها و سازوکارهای مختلف تعقیب می‌گردد. آموزش عالی، منبع دیگر قدرت نرم است. تقریباً در همه کشورهای اشتیاق برای رفتن به دانشگاه‌های هاروارد، کالیفرنیا، استانفورد و... وجود دارد. میزان ثبت نام از دانشجویان خارجی، میزان برندگان جایزه نوبل، میزان انتشار کتب و مقالات علمی - پژوهشی و بسیاری دیگر از موارد آموزشی و پژوهشی به‌عنوان یک منبع قدرت نرم تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌ها و اعمال قدرت محسوب می‌گردند. سومین بخش از منابع قدرت نرم در بخش فناوری است. فناوری اطلاعات و ارتباطی - که بخشی از آن در استفاده از سیستم عامل ویندوز وجود دارد - به نوعی، سلیقه کاربران را تغییر می‌دهد و انتشار ارزش‌ها و سلیقه‌های امریکایی را برعهده دارد. هم‌چنین برخی از کشورها در حوزه ورزش، صنایع غذایی و... از ابزارها و امکانات لازم، برخوردارند. بنابراین به نظر می‌رسد هر کشوری که بیشترین امکانات و منابع قدرت نرم را در اختیار داشته باشد می‌تواند ارزش‌های مورد نظر خود را انتشار دهد. قدرت برقراری ارتباطات گسترده و عمیق و همکاری متقابل و تأثیرگذاری بر اراده دیگران از جمله وجوه برتری دارندگان قدرت نرم قلمداد شده است. به نظر جوزف نای، قدرت نرم زمانی اعمال می‌شود که یک کشور سایر کشورها را وا دارد چیزی را بخواهند که خود می‌خواهد... توانایی تأثیرگذاری بر آنچه دیگر کشورها می‌خواهند با منابع نامحسوسی مثل فرهنگ، ایدئولوژی و نهادها ارتباط دارد. عامل عمده تشکیل دهنده‌های قدرت در دهه ۱۹۹۰ و بعد از آن، میزان توانایی یک کشور در زمینه ارتباط با افکار عمومی است که موجب افزایش همکاری است و قدرت نرم نامیده می‌شود.

براساس معیارهای رفتاری، قدرت نرم توانایی جذب کردن دیگران و همراهی آنها است و منابع آن هم مقوله‌هایی هستند که چنین جاذبه‌هایی را ایجاد می‌کنند. الهام‌بخشی فکری و عقیدتی ایران در حوزه‌های ژئوپلیتیک کشورهای همجوار یکی از نشانه‌های توانایی نفوذ و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. انسجام هویتی اولین نشانه قدرت نرم ایران در محیط خاورمیانه است. (Aghaie, 2001:25) از سوی دیگر

ایجاد «اندیشه مقاومت» در برابر زیاده خواهی‌های قدرت‌های بزرگ یکی دیگر از منابع قدرت نرم ایران است. طبیعی است که هرگونه مشروعیت‌سازی ساختاری به‌عنوان زیربنای «کنش مقاومت» نیازمند همبستگی گروه‌های اجتماعی و نظام سیاسی است. (Onuf, 1989: 16) تا زمانی که تهدیدهای متنوع فراروی فضای سیاسی، اجتماعی و ادراکی جامعه ایران وجود داشته باشد هویت «مقاومت» باز تولید می‌گردد. (Mashayekhi, 1998: 35)

از سویی، قدرت یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با گذشته از الگوهای متفاوتی پیروی می‌کند و به نوعی، متغیرهای جدیدی را جهت تولید، و اعمال قدرت و نیز تحلیل مسائل بین‌المللی، وارد حوزه روابط بین‌الملل نموده است. شرایط بروز قدرت نرم طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی تغییر یافته است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن، دنیا را دستخوش تغییرات بنیادین ساخته است و موجب شکل‌گیری جوامع و شبکه‌های مجازی شده است که مرزهای کشورها را در هم نوردیده و همکاریهای فراملی و عاملان غیرحکومتی را گسترش بخشیده است. قدرت نرم سازمانهای بین‌المللی غیردولتی موجب جلب و جذب شهروندان برای ایجاد ائتلاف‌های بین‌ملتی شده است. توانایی سهم‌بندی اطلاعات به منبعی مهم در جذب قدرت تبدیل شده است. در این رهگذر، استفاده از مجراهای چندگانه ارتباطی، برخورداری از سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی در جهان چند فرهنگی امروز و اعتباری که با ارزش‌ها و سیاستها با توجه به اهمیت گزینه‌ها و انتخاب‌ها افزایش می‌یابد، می‌تواند قدرت یک بازیگر را در صحنه بین‌المللی ارتقا بخشد. منابع قدرت نرم توانسته‌اند از طریق غیرمستقیم به صورت شکل‌دهی به محیط پیرامونی به صورت نرم، آرام و پراکنده، بازیگران را در اجرای سیاست‌های خود یاری دهند. در این رهگذر، قدرت اطلاعات و بازپرووری و پردازش داده‌ها با توجه به حجم و انبوه و گستردگی اطلاعات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

با توجه به اهمیت شبکه‌ها و رسانه‌ها به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده سیاست‌های

بازیگران و گسترش‌دهنده به دیپلماسی عمومی، بازیگران روابط بین‌الملل اتخاذ رویکرد فعال، مبتکرانه و انتخاب‌گر را در فرآیند جهانی شدن در دستور کار خود قرار داده‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی ایران با تأثیرگذاری بر قاعده‌مندی‌ها و جریان‌های بین‌المللی، تأکید بر عدالت‌گرایی و نفی تبعیض، انسانی‌تر کردن، منصفانه کردن و عادلانه کردن فضای جهانی و نیز افشای ماهیت سلطه‌طلبانه و غیرانسانی و غیراخلاقی گفتمان غالب بر روابط بین‌الملل، بر ضرورت عرضه کالاهای عظیم فرهنگی و پیامهای درخور توجه در تمدن اسلامی تأکید ورزیده است. انقلاب اسلامی ایران ضمن تأکید بر لزوم آگاهی از ابزارها و فنون تبلیغی کارآمد و به روز، بر مخاطب‌شناسی برای موفقیت در عرصه تبلیغات و اهتمام به شناخت تازه از آموزه‌ها و فرهنگ‌های دیگر و کسب آمادگی‌های لازم برای رقابت در جهان چند فرهنگی امروز پای می‌فشرد.

واقعیت آن است که در جهانی که همه از اطلاعات اشباع هستند آنچه از اهمیت برخوردار است اطلاعات نیست بلکه توجه افراد با اطلاعات است و این توجه طبیعتاً به سمت اطلاعات معتبرتر جلب می‌شود. در این میان، در عصر اطلاعات بازیگری می‌تواند سردمدار دنیای سیاست باشد که در عرصه اعتمادسازی در دنیا پرچمدار باشد. چرا که مشروعیت یک پیام بخش مهمی از قدرت نرم آن را تشکیل می‌دهد و جذابیت آن به قدرت قطعی آن می‌افزاید. در این میدان پیروزمند کشوری است که دارای اعتبار است و بتواند با بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجهه‌ای مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام با تکیه بر ساختارهای غیرمادی از جمله اجتماعی، هنجاری و ارزشی و نهادی و عوامل زمینه‌ای چون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی مبادرت ورزد.

قدرت نرم، مباحث عقلانی و ارزش‌های عمومی را شامل می‌شود و هدف آن، افکار عمومی خارج و سپس داخل است. از این رو می‌توان گفت: قدرت نرم، رفتار توأم با جذابیت قابل رؤیت، اما غیرمحسوس است. چه در قدرت نرم و یا قدرت فرهنگی،

بر روی ذهنیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و از جذابیت برای ایجاد اشتراک بین ارزش‌ها و همه‌خواست‌ها سود می‌جوید. از این چشم‌انداز، قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌ها گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی چون فرهنگ آرمان و یا ارزش‌های اخلاقی، به‌صورت غیرمستقیم بر منابع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد.

در زمینه سیاست خارجی و چگونگی ارتباط آن با قدرت نرم می‌توان سه وظیفه اساسی برای دستگاه سیاست خارجی تصور نمود:

### ۱. ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در دیدگاه افکار عمومی بین‌الملل

مشروعیت نظام، ریشه در سازوکارهای داخلی آن دارد، اما واحدهای سیاسی می‌بایست موازب رفتارهای سیاسی خود در سطح جهانی و واکنش‌ها و عکس‌العمل‌های کشورهای دیگر نسبت به تصمیمات سیاسی خود باشند. امروزه، شاهد ظهور مؤسسات و نهادهای بین‌المللی، عموماً با دغدغه‌های انسانی مثل تأمین صلح و امنیت. حفظ حقوق بشر، حفظ حقوق زنان و تقویت کشورهای ضعیف هستیم. با افزایش چنین نهادها و مؤسسات بین‌المللی دولتی و غیردولتی، هر کشوری می‌بایست آن‌گونه رفتار نماید که از رهگذر تعامل با این مراکز و نهادها بر مشروعیت خویش در امور انسانی و بشر دوستانه بیفزاید. بنابراین، یکی از وظایف مهم دستگاه سیاست خارجی کشورها، ارتقای میزان مشروعیت خود در سطح بین‌المللی است.

### ۲. کسب اعتبار بین‌المللی

یکی دیگر از وظایف دستگاه سیاست خارجی هر کشور، کسب پرستیژ، حیثیت، اعتبار و آبرو در صحنه بین‌المللی است که خود، موجب افزایش و توان قدرت نرم یک کشور می‌گردد. به این معنا که جایگاه و موقعیت یک کشور در نظام جهانی در پیشبرد اهداف و منافع ملی آن کشور مؤثر است.

### ۳. مدیریت افکار عمومی

مدیریت افکار عمومی، یکی دیگر از وظایف سیاست خارجی در چهارچوب قدرت نرم است. دیپلماسی عمومی، بخشی است که می‌تواند با اتخاذ روش‌های نرم و به دور از خشونت، افکار عمومی را مدیریت نماید. دیپلماسی عمومی، شامل برنامه‌هایی هم چون انتشار کتاب، ساخت و پخش فیلم‌های سینمایی و مستند، برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به زبان‌های رایج بین‌المللی و برگزاری همایش‌ها و کنگره‌های بین‌المللی، جهت نزدیک نمودن ایده‌ها، افکار، اندیشه‌ها و سیاست‌ها در عرصه جهانی است. این مؤلفه‌ها عمدتاً در چهارچوب ساز و کارهای قدرت نرم و به دور از هرگونه سازوکارهای قدرت سخت صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد متولی آن، دستگاه سیاست خارجی کشورهاست.

در مجموع می‌توان گفت که قدرت نرم ماهیت کم‌شدت دارد ولی از گستره فراگیری برخوردار است و در نتیجه تأثیرگذاری فراگیرتری را به وجود خواهد آورد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۵۶)

### مفهوم قدرت هوشمند

قدرت هوشمند، استفاده ترکیبی و درست از قدرت‌های سخت و نرم است. افزایش توان ترکیبی قدرت‌های نرم و سخت از مؤلفه‌های ضروری امروز سیاست‌گذاری جهان محسوب می‌شود. قدرت هوشمند در امتزاج و آمیختگی قدرت نرم و قدرت سخت به‌دست می‌آید. البته افزایش کیفی در بالابردن توان ذهنی کارگزاران و حرفه‌ای عمل کردن آنان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در این فرایند به حساب می‌آید و ذهن‌های خلاق و پردازش‌گر مهم‌ترین کانون‌های اساسی در تبیین راهبرد قدرت هوشمند، اعم از نرم و سخت در آن شکل می‌گیرد. اگر خوب به درک و فهم نهادهای مولد استراتژی قدرت هوشمند توجه کنیم، استراتژی قدرت‌های ایدئولوژیک جهان با هدف تأثیرگذاری و نقش آفرینی حداکثری در جهان پیرامون خود هویت پیدا می‌کند و در یافتن منابع و

تشخیص همگرایی و شناخت ابزارها از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت هوشمند ترکیب می‌یابند. در یک چنین فرآیندی وابستگی محیط بین‌المللی به قدرت هوشمند برتر به درک واقعیت‌های عینی برتر در مناسبات جهانی عمق پیدا می‌کنند و در کالبد آن مفهوم قدرت هوشمند عمیقاً معنا و مفهوم پیدا می‌کند. رویکرد قدرت هوشمند مستلزم انعطاف در ماهیت تغییر است.

در تامین نگاه حداکثری به منافع ملی، قدرت هوشمند با اهدافی وسیع‌تر و گام‌هایی عمیق‌تر به ژرفای استراتژی ارائه شده و دامنه نفوذ و تأثیرگذاری جهان پیرامون خود توجه می‌کند و تلاش می‌کند تا عملکرد و راهبرد خود را با منطقی که می‌پسندد، توجیه کند. قدرت هوشمند می‌تواند با محاسبات دقیق، حوزه عمل خود را اعم از برداشت عینی از منابع، توان اقتصادی و ظرفیت اجتماعی و ثبات امنیتی به حیات خود و منفعی که برای آن تلاش می‌کند، اعتبار و ثبات ببخشد. بی‌تردید تأثیر و موفقیت قدرت هوشمند در فرایند یک سلسله عملیات وابسته به آگاهی و دانایی محیط پیرامونی آن معنی پیدا می‌کند. ضرورت تغییر در تفکر، اهداف، استراتژی و تاکتیک مستلزم شناخت قدرت هوشمند است که در چالش با اقتدار سنتی قدرت‌های موجود پدیدار گشته است. ماجرای جنگ و صلح در تحقق مفهوم قدرت هوشمند با تکنیک و مهارت‌های جوامع مدرن و دانش فنی امکان دسترسی به موفقیت در عرضه چالش‌های موجود ایجابی یا سلبی اعم از جنگ و صلح را روان‌تر می‌کند. اما با همین میزان تغییر در ساختار قدرت جهانی، هوشیاری و دانایی سیاسی مردم به‌گونه فزاینده‌ای افزایش یافته است.

قدرت هوشمند با به‌کارگیری اهداف مشخص، استراتژی، سلطه و هژمونی مورد نظر خود را در درک عامل تغییر در بهره‌گیری از آن برای خود و هم‌پیمانان و متحدان و بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی ا باز تعریف می‌کند. جهان با پدیده آگاهی و رشد دانش و دانایی روبروست. نقش انقلاب نرم‌افزاری در زمانه انفجار اطلاعات توانسته است آگاهی خود بنیادی برای تجلی بلوغ افکار عمومی را به همراه داشته باشد. لذا

می‌توان مدعی بود که الزاماً تأثیر و نفوذ قدرت هوشمند و یا قدرت نرم با توپ و تانک و جنگ افزارهای پیشرفته یا قدرت سخت به‌دست نمی‌آید. این جاست که مشروعیت قدرت به توانمندی حرفه‌ای و تأثیرگذاری حداکثری بدون توسل به زور پدیدار می‌گردد. افکار عمومی زمانی می‌تواند شکل بگیرد که قدرت هوشمند در ایجاد منطق آگاهی عمومی مردم در ترسیم اولویت‌ها و درک منافع ملی و سره از ناسره را کاملاً از دل و جان بتواند بدون کمترین هزینه جا بیندازد. مشروعیت قدرت هوشمند از این خود‌انگیزی‌ها و خودآگاهی‌ها به‌دست می‌آید و حتی مشروعیت در مدیریت هزینه‌ها هم کارسازی می‌شود. استراتژی نظامی صرف، نه تنها کارایی ندارد بلکه در قدرت هوشمند نیز کاربرد هم نخواهد داشت. اگر وقوع جنگ‌ها را با توجیه قدرت فزاینده نظامی طی دو دهه گذشته به مثابه یک صحنه تئاتر ارزیابی کنیم حتی قدرت سخت به‌رغم برتری نظامی الزاماً نتوانسته به کلیه اهداف خود دسترسی پیدا کند و اهداف صد در صدی خود را تامین کند. دغدغه و کارکرد اصلی قدرت هوشمند پویایی افکار عمومی و شکل‌دهی بدان و مشروعیت‌سازی یک هدف با استراتژی مشخص است. امنیت پدیده جهانی شده‌ای است و در ادبیات جهانی‌سازی به‌عنوان فرض مسلم تعریف می‌شود. قدرت هوشمند با بازتعریفی روشنگرانه برای درک متقابل مشروعیت امنیت شهروند، امنیت را ضرورت قدرت می‌داند و برای آن مشروعیت بین‌المللی و جهانی قائل است.

قدرت هوشمند در توجیه و مشروعیت استراتژی خود طی یک دهه گذشته جهان را به‌کارگیری جنگ روانی از ماهیت قدرت نرم برای اهداف خود بهره می‌گیرد و به‌صورت شفاف به ابنای بشر هشدار می‌دهد که جهان در دوران تجربه‌های تلخ و سخت را سپری می‌کند. قدرت هوشمند در راستای سرکوب تروریسم و خشونت سخن از یک دفاع و جنگ مقدس به میان می‌آورد. مشروعیت قدرت هوشمند در این است که می‌خواهد نتیجه عملکرد خود را منطقی و طبیعی جلوه دهد ولی از بررسی پدیده‌ها و علت‌ها با هوشیاری کامل طفره می‌رود. با یک چنین بازتعریفی از تامین

مشروعیت امنیت، قدرت هوشمند به تفهیم استراتژی و اهداف می‌پردازد. قدرت هوشمند میدان عمل خود را با منافع و ارزش‌های جهانی هماهنگ می‌بیند. اگر در باب قدرت هوشمند به‌عنوان مطالعه موردی به نقش سیستم خارجی ایالات متحده بنگریم موانعی را به‌صورت سنتی در مقابله با قدرت هوشمند و کاربری آن می‌توانیم مشاهده کنیم. سیاست خارجی امریکا عمدتاً متأثر از قدرت سخت است. قدرت سخت قابل شناخت و ارزیابی است. پنتاگون، سیا و وزارت خارجه با بهره‌گیری از آموزه‌های سنتی در معرفی مؤلفه‌های قدرت نرم و سخت و نقش آفرینی برتری‌های نظامی تلاش می‌کنند. وقتی سیاست خارجی وابسته به قدرت سخت باشد از درک قدرت هوشمند عاجز است.

حرف مدعیان و نظریه پردازان قدرت نرم مثل جوزف نای این است که ایالات متحده برای نجات یک ملت در منطقه‌ای مثل افغانستان حضور پیدا می‌کند و کشته می‌دهد و هزینه می‌کند اما نه می‌تواند تروریسم را سرکوب کند و نه ملت از حضور ارتش آمریکا راضی به نظر می‌رسند. قدرت هوشمند مهم‌ترین عامل را در یک چنین بحرانی اینگونه می‌بیند که نتوانسته است اعتماد افکار عمومی و مشروعیت به کارگیری قدرت هوشمند را کسب کند. قدرت هوشمند بزرگترین تهدید امنیتی جهان را در بی‌تفاوتی پدید آمده از تجربه تلخ جنگ امریکا در افغانستان و عراق در مبارزه با تروریسم ارزیابی می‌کند. قدرت هوشمند باورش این است که حتی دیپلماسی حرفه‌ای در عراق - افغانستان به کار گرفته نشده و همه سیاست‌ها ماهیت نظامی صرف داشته است. قدرت چانه زنی و جنگ نرم و توجیه‌سازی افکار عمومی و بهره‌گیری از ارکان توان بومی، از واقعیت‌های قدرت هوشمند بوده است. بنابراین بدون پشتوانه ارتباط با دیگر ملت‌ها ضریب امنیت جهانی افزایش نمی‌یابد. پس قدرت هوشمند که ترکیب و امتزاج قدرت‌های نرم و قدرت سخت است می‌تواند به‌عنوان تنها راهبرد همگرا و ظرفیت‌ساز در سیاست خارجی کشورها بکار رود.

(خرازی، ۱۳۸۹، دیپلماسی ایرانی)

## بهره‌برداری از قدرت جهت بقا و حفظ کشور

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها حفاظت از مرزهای جغرافیایی کشور و تلاش برای اجتناب از جنگ است. حفاظت از تمامیت ارضی کشور با به‌کارگیری قدرت سخت نیروهای مسلح از روش‌های رایج در جهان است. اما امروزه استفاده از قدرت نرم برای عدم امکان بروز جنگ و نیز توسعه منافع متقابل با سایر ملت‌ها اهمیت زیادی یافته است. داشتن سیاست خارجی منعطف و فعال می‌تواند میزان بهره‌گیری از قدرت نرم کشور را افزایش دهد. یکی از راه‌های حفظ کشور، پیوند زدن امنیت کشور با امنیت و منافع و ثبات کشورهای همجوار و پیرامون است. برای مثال ایران اگر با اتخاذ سیاست تعامل فعال بتواند اقدامات ذیل را در حوزه اقتصادی انجام دهد، ظرفیت کشور را برای حفظ بقا و امنیت ملی تا حد زیادی بالا برده است:

۱. استفاده از فضای جغرافیایی کشور به‌عنوان مسیر تبادل خطوط لوله نفت و گاز دنیا
۲. تنظیم برنامه‌ای برای عبور هواپیماهای جهان در چند ردیف و در چند دالان هوایی از آسمان ایران
۳. بهره‌برداری از سرزمین ایران برای عبور فیبرهای نوری
۴. پیوند زدن نیازهای کشورهای همسایه به ظرفیت‌های دریایی، بندری و ترانزیت ایران
۵. توسعه فرودگاه‌هایی در کشور به‌عنوان هاب منطقه‌ای به‌گونه‌ای که مسافرین جهانی بتوانند با استفاده از فرودگاه‌های ایران به اقصی نقاط جهان پرواز کنند. همچنین هواپیماهای مختلف بتوانند در ایران سوخت‌گیری کنند و تعمیر شوند.
۶. احداث بنادری در سواحل خلیج فارس که بتواند به کشورهایمانند افغانستان، تاجیکستان، ارمنستان و عراق که در تنگنای ژئوپلیتیکی هستند کمک کند.
۷. توسعه امنیت در خلیج فارس و تنگه هرمز به‌گونه‌ای که تمایل به انتقال نفت و گاز کشورهای عربی از مسیر لوله به حداقل کاهش یابد.

۸. تبدیل ایران به بهشت گردشگری مذهبی، عرفانی، تاریخی و جاذبه‌های طبیعی

چهار فصل در یک زمان

۹. احداث دانشگاه‌های بین‌المللی در کشور به گونه‌ای که ایران به‌عنوان مرکز

آموزش عالی برای کشورهای خاورمیانه و آسیا عمل نماید و به‌جای ملتی دانشجو

فرست تبدیل به کشوری دانشجوپذیر شود. با این شیوه می‌توان فرهنگ غنی اسلامی را

نیز عملاً در اختیار نسل جوان سایر کشورها قرار داد.

### مؤلفه‌های قدرت نرم در سیاست خارجی

همان گونه که ذکر شد عوامل متعددی در ایجاد قدرت نرم کشورها مؤثر است که هر

کدام به نحوی به دور از ابزارها و مؤلفه‌های قدرت سخت، موجب ارتقای حیثیت و

جایگاه یک کشور در عرصه سیاست بین‌الملل و نظام جهانی می‌شود. برخی از این

مؤلفه‌ها عبارتند از:

#### ۱. فرهنگ و نظام ارزش‌ها

بخش عمده‌ای از عوامل تولیدکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم در یک واحد سیاسی،

معطوف به حوزه فرهنگ و نظام ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی است. مانند زبان و

ادبیات، موقعیت ایدئولوژیکی و مذهبی، ارزش‌های متعالی و انسانی، اخلاقیات، قدرت

نفوذ باورها و نگرش‌ها و به طور کلی، منش ملی، روحیه ملی، باورها و ارزش‌های ملی

که جملگی در ذیل مقوله فرهنگ جای می‌گیرند. از آنجا که فرهنگ به‌عنوان مهم‌ترین

منبع قدرت نرم، تلقی می‌شود می‌توان جایگاه و موقعیت قدرت فرهنگی یک کشور را

با توجه به میزان توانمندی‌ها و جذابیت‌های انگاره‌های فرهنگی آن، مورد سنجش و

ارزیابی قرار دارد. زیرا فرهنگ یک کشور می‌تواند برای دیگر کشورها منشأ جذابیت

باشد. آنچه اهمیت موضوع را در این مؤلفه، مضاعف می‌کند این است که این انگاره‌ها

و ارزش‌های فرهنگی، نظام ترجیحات و اولویت‌ها را برای زندگی فردی و اجتماعی

دیگران، معین می‌سازد. از سویی، دستگاه سیاست خارجی کشورها هنگام تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً براساس ترجیحات و اولویت‌های فرهنگی، عمل می‌کنند؛ در نتیجه، میزان پتانسیل موجود در انگاره‌های فرهنگی می‌تواند جذابیت خاصی را در افکار عمومی جهان ایجاد نموده و از آن طریق، دستگاه سیاست خارجی به راحتی می‌تواند اهداف و منافع ملی خود را بدون کاربرد زور با کمترین هزینه، تعقیب نماید.

## ۲. ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تولیدکننده یا تقویت‌کننده قدرت نرم یک کشور، جذابیت ارزش‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور است. این مهم می‌تواند در ارائه تصویرسازی مثبت و مطلوب از یک کشور در سطح افکار عمومی جهان، مؤثر واقع گردد. به طور کلی، ایده‌آل‌های سیاسی یک کشور می‌تواند دیگران را نسبت به آن، جذب و یا دفع نماید. برای نمونه، ارزش‌های آزادیخواهانه و یا ارزش‌های اسلامی مطلوب در کشورهای اسلامی می‌تواند برای سایر واحدهای سیاسی، ایجاد جاذبه و یا دافعه نماید. آنچه در این مؤلفه، حائز اهمیت است میزان هم‌سوئی آرمان‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی یک کشور با جامعه بین‌المللی است. هم‌چنین میزان توانایی‌های این ارزش‌های سیاسی در ساختن رژیم‌های حقوقی و قانونی بین‌المللی است که تا چه حد توانسته مطلوبیت‌های خود را جهانی و تبدیل به قوانین و مقررات بین‌المللی بنماید.

## ۳. مشروعیت نظام سیاسی

مشروعیت سیاسی، در ایجاد و تقویت قدرت نرم کشورها، بسیار مؤثر است. هر چه مشروعیت سیاسی یک کشور در اذهان و افکار عمومی جهان افزایش یابد. میزان همکاری‌های بین‌المللی، به تناسب، توسعه خواهد یافت. زیرا واحدهای سیاسی، تنها از طریق همکاری‌ها، مناسبات و مبادلات اقتصادی و تجاری فی مابین است که منافع و

اهداف یک کشور را مورد شناسایی قرار می‌دهند. میزان مشارکت‌های مردمی در انتخابات‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و راهپیمایی‌ها، نشان‌گر میزان مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی است، که به سهم خود، تأثیر زیادی در نگرش افکار عمومی جهان داشته و در نتیجه، موجب ارتباطات بیشتر در عرصه جهانی می‌گردد.

به هر حال امروزه، عرصه روابط بین‌الملل، به شدت تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی قرار دارد. از این رو، تبادلات و مناسبات فرهنگی و هم‌چنین کوشش برای نگرهبانی از هویت، جایگاه ویژه‌ای در سطح مباحث تئوریک و نظریه‌پردازی و هم‌چنین در ساحت عمل به خود اختصاص داده است. تا جایی که تبدیل پاسداری از هویت، نه دستور کار سیاست خارجی و مطالعات راهبردی، بلکه بیش از همه، ناشی از موجی است که پهنه عمل آن، فراملی و جهانی است. از این منظر می‌توان گفت: قدرت یابی و کسب و تولید قدرت در دنیای جدید در مقایسه با دوران قبل از الگوهای متفاوتی، پیروی می‌کند. هر چند اعمال آن در سطح جهانی، مبتنی بر قدرت سخت و نظامی برتر شکل گرفته است و کماکان غلبه دارد، لکن با تحولاتی که بعد از جنگ جهانی دوم و به ویژه دهه هفتاد به بعد در ساحت اندیشه و عمل به وجود آمد به نوعی، متغیرهای جدید را جهت تولید، اعمال قدرت و کسب نفوذ، وارد حوزه روابط بین‌الملل و سیاست جهانی نمود.

با توسعه روابط بین‌الملل و افزایش تعاملات و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، زمینه‌های نوینی برای رفع مسالمت‌آمیز مناقشات و منازعات میان دولت‌ها و ملت‌ها پدیدار گشت و دیپلماسی، به عنوان یک راه‌حل منطقی، جای‌گزین توسل به زور گردید. سیاست بین‌الملل، علی‌رغم توسعه و تکامل خود، هنوز نتوانسته قدیمی‌ترین مشکل روابط بین‌الملل یا جنگ و خونریزی را که دغدغه ملت‌ها و دولت‌ها در طول تاریخ بوده است، به طور کامل مهار کند و صلح و امنیت را به ارمغان بیاورد. از این رو، دیپلماسی شیوه مسالمت‌آمیز حل تعارضات و اختلافات بین‌المللی، همواره با اقبال مواجه بوده است. به طوری که با افزایش مناسبات و تعاملات ملت‌ها و دولت‌ها از یک

سو و افزایش سطح آگاهی‌های سیاسی در سطح بین‌الملل و رشد افکار عمومی، کاربرد شیوه‌های دیپلماتیک، افزایش یافته است. آشکار است که با تحول طبیعت دیپلماسی و روابط دیپلماتیک، با گذشت ایام و تجربه تحولات و انقلابات در عرصه نظام بین‌الملل، به نحو محسوس و ملموس دگرگون شده است و به موازات آن، ابزارها و کارکردها و رفتارهای دیپلماسی نیز دستخوش تغییرات بنیادین گردیده است. در مجموع با به‌کارگیری مؤلفه‌های قدرت نرم می‌توان فرصتی را برای توسعه روابط با کشورها و ایجاد بستری برای پیشرفت را فراهم نمود.

### استفاده از قدرت برای پیشرفت

هیچ ملتی بدون داشتن قدرت فکری و برنامه ریزی نمی‌تواند در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و اقتصادی پیشرفت کند. به میزانی که ظرفیت‌های ملی یک کشور بیشتر باشد، امکان پیشرفت سریعتر وجود دارد. پیشرفت هر کشور به میزان تولید کالاهای فکری، فرهنگی، علمی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی و فناوری است. از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت، توسعه اقتصادی و علمی است. در وضعیت کنونی، گرچه ایران در علوم نانو و هسته‌ای رشد کرده است و توانسته جایگاه خود را در جهان ارتقاء بخشد اما دانشگاه‌های ایران جایگاهی در میان سیصد دانشگاه برتر دنیا ندارند. البته رشد ایران در علوم هسته‌ای، شیمی و فیزیک هسته‌ای چشم‌گیر بوده است. (( New Scientist براساس گزارش این نشریه رشد ایران در این علوم چهار برابر میانگین جهانی است. از سوی دیگر ایران از نظر خروج مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌نیافته در صدر کشورهای جهان قرار دارد. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیل کرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند. خروج سالانه این تعداد ایرانی با تحصیلات عالی از کشور معادل خروج ۵۰ میلیارد دلار سرمایه سالیانه از کشور است. طبق آمار منتشره از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، ۹۰ دانش‌آموز از ۱۲۵ دانش‌آموزی که در سه سال گذشته در المپیادهای جهانی

رتبه کسب کرده‌اند، هم‌اکنون در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند. البته اگر این افراد پس از تکمیل تحصیلات خود به ایران باز گردند به‌عنوان سرمایه‌ای ملی تلقی خواهند شد اما تجربه نشان داده است که بسیاری از آنها برای زندگی دائمی به ایران باز نمی‌گردند. گزارش صندوق بین‌المللی پول در ادامه افزوده است که بیش از ۱۵ درصد سرمایه‌های انسانی ایران به آمریکا و ۲۵ درصد به کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا مهاجرت می‌کنند. این در حالی است که ایران هم‌اکنون در مقام بیستمین کشور جهان به لحاظ رشد علمی و تولید مقالات قرار دارد و پس از ترکیه دومین کشور خاورمیانه به لحاظ رشد تعداد مقالات علمی است. ایران در سال ۲۰۱۱ ده هزار و ۲۴۴ مقاله علمی تولید کرده است. (خبرگزاری مهر) طبیعی است که توسعه و به‌کارگیری قدرت نرم می‌تواند فضا را برای استفاده بیشتر از این سرمایه‌های انسانی فراهم کند.

از سوی دیگر به‌کارگیری قدرت نرم در تعاملات جهانی می‌تواند موجب افزایش تولیدات داخلی گردد. گسترش مستمر تولید همراه با بهبود کیفی روش‌ها و وسایل تولید و افزایش پیوسته بهره‌وری موجب توسعه اقتصادی و پیشرفت و رفاه جوامع می‌شود. جهانی شدن موجب انتقال سرمایه از کشورهای مختلف به سوی کشورهای دارای امنیت و مزیت انسانی است. در جهان امروز تولید انواع کالاها در سطح بین‌المللی بر پایه مزیت رقابتی شکل می‌گیرد. معمولاً اجزای مختلف یک محصول در کشورهای مختلف و بر مبنای شرایط و مزیتی که برای تولید آن کالا دارند تولید می‌شوند و در کشور طراح و یا کشور ثالث گردآوری و تبدیل به محصول نهایی می‌شود. بنابراین کشورهایی می‌توانند در چرخه تولید جهانی نقش ایفا کنند که دارای تعامل مناسب بین‌المللی باشند و جایگاه قدرت آنها بتواند جایگاه مناسبی را برای آنها در تولید و عرضه محصولات فراهم آورد. از سوی دیگر یکی از عوامل اصلی پیشرفت هر جامعه‌ای دسترسی به فناوری‌های پیشرفته است. بهره‌برداری از فناوری‌های جهانی معلول افزایش تجارت جهانی و تنوع بخشیدن به تولید کالاهای مختلف می‌باشد. انتقال

فناوری‌های نوین هم نیازمند افزایش ارتباط بین کشورها و وابستگی متقابل است. (شیرزادی رضا، نوسازی، توسعه و جهانی شدن، کرج، نشر حق یاوران، ۱۳۸۶، ص/۱۳۹) بنابراین دولت‌هایی که بتوانند با تکیه بر قدرت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود جایگاه مناسب‌تری را در روابط بین‌الملل کسب نمایند می‌توانند به فناوری‌های پیشرفته دسترسی پیدا کنند و در تحقیق و توسعه موفق‌تر عمل کنند. بانک جهانی در گزارشی که منتشر کرده است عامل تعیین‌کننده توسعه را به‌رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت می‌داند. (word Bank, 1997) بنابراین وجود دولت کارآمد برای فراهم کردن مقررات و نهادهایی که به اقتصاد اجازه رشد و شکوفایی بدهد و مردم را به سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مند سوق دهد حیاتی است. به منظور حرکت جامعه به سوی پیشرفت همه دولت‌های کارآمد وظایف بنیادین زیر را انجام می‌دهند:

۱. پی‌ریزی ساختارهای قانونی و وضع قوانین و مقررات پیشرفت ساز
۲. ایجاد فضای امن جهت سیاست‌گذاری‌های با ثبات
۳. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و خدمات اساسی اجتماعی
۴. پشتیبانی از مستضعفین و گروه‌های ناتوان از نظر اقتصادی
۵. پی‌ریزی دادگستری مستقل، مقتدر و بی‌طرف
۶. حفاظت از محیط زیست و سلامت جامعه

بدون وجود دولت کارآمد پیشرفت همه جانبه و توسعه پایدار تقریباً غیرممکن است. جهانی شدن اقتصاد تهدیدی برای دولت‌های ضعیف و بدون برنامه است در حالی که برای دولت‌های کارآمد و منضبط جهانی شدن راهی برای تقویت پایه‌های توسعه و رفاه جامعه است. با توجه به اینکه توافقات بین‌المللی در اقتصاد جهانی تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد بنابراین هرچه دولت‌ها با تکیه بر قدرت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در این توافقات و تصمیمات نقش بیشتری را ایفا کنند می‌توانند منافع خود را بیشتر تأمین کنند. بدیهی است که دستیابی به درآمد سرانه بالاتر و رسیدن به رفاه به اتخاذ سیاست‌های درست اقتصادی و افزایش توان و قابلیت‌های دولت وابسته

است. تجربه تاریخی نشان داده است که برای بهبود بخشیدن به وضع اقتصادی جامعه، کارآمدی دولت و نهادهای جامعه اهمیت زیادی دارند. (بانک جهانی، ۱۳۷۸:۳۰) درست است که توسعه اقتصادی دولت محور با شکست مواجه شده است ولی توسعه اقتصادی بدون وجود و دخالت دولت کارآمد و مؤثر هم محال و ممتنع است. زمانی که نقش دولت با توانمندی آن در به‌کارگیری قدرت‌های سخت و نرم در حوزه روابط بین‌المللی و قابلیت نهادی آن متناسب باشد به توسعه اقتصادی و پیشرفت کشور کمک شایانی می‌شود.

## دست‌آورد

واحدهای ملی در نظام بین‌المللی از قدرت و جایگاه یکسانی برخوردار نیستند. در ساختار کنونی، سلسله مراتبی از قدرت در متن نظام بین‌المللی مشهود می‌باشد. موضوع قدرت به‌عنوان معیار تقسیم‌بندی دولت‌ها، صرفاً بر مبنای قدرت سخت و ظرفیت‌های نظامی قرار ندارد، بلکه توانایی‌هایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیک یعنی قدرت نرم نیز در این امر دخیل می‌باشند. کشورها برای به تبعیت در آوردن دیگران و یا تأثیرگذاری بر فرآیند تصمیم‌گیری آنها به نفع خود از ابزار و منابع در اختیار خود بهره می‌جویند. بهره‌گیری از قدرت‌های سخت و نرم در روابط بین‌المللی از شاخص‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران است. مؤلفه‌هایی مانند قدرت سخت و قدرت نرم به‌عنوان بخش اجتناب‌ناپذیر فرآیند امنیت‌سازی کشورها در حوزه سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود و ایجاد امنیت زیربنای پیشرفت برای هر کشوری است. کشورها به‌عنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل، همواره به درجات گوناگون از ساختارها و فرآیندهای جهانی متأثر شده‌اند. به بیانی دیگر، می‌توان گفت سرشت پویای نظام بین‌الملل، پیوسته کشورها را به چالشی دائمی جهت «حفظ بقا» و نیز «ارتقای منزلت» فرا می‌خواند. اهمیت سیاست خارجی یک کشور نیز به همین امر برمی‌گردد. بدین معنا که چه نوع سیاست خارجی در متن نظام بین‌الملل می‌تواند ضمن

صیانت از بقای یک کشور، منزلت آن را نیز ارتقا بخشد و به پیشرفت کشور کمک کند. ایران استعداد و توانایی قدرتمند شدن در عرصه‌های اقتصادی و فناوری را دارد و می‌تواند با اتخاذ یک سیاست خارجی فعال و پویا، گام‌های بلندی به سوی پیشرفت بردارد. موقعیت ژئوپلیتیک، قدرت نظامی و منابع نفت و گاز ایران که تولیدکننده قدرت سخت ایران است در تعامل با کشورها می‌تواند به ظرفیتی برای پیشرفت ایران تبدیل شود. توسعه اقتصادی و پیشرفت در حوزه‌های مختلف بدون تعامل با جهان تا حد زیادی غیرممکن است. توسعه روابط و تعامل سازنده با سایر کشورها، اصلی مهم برای رشد و تولید قدرت و ثروت است. برای اینکه ایران بتواند نقش مهمی را در نظام بین‌المللی و اقتصاد جهانی ایفا کند و به پیشرفت در حوزه‌های مختلف دست یابد، نیاز به تعیین اهداف و راهبردهایی دارد که براساس آنها بتواند از قدرت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در توسعه روابط بین‌المللی استفاده کند. به‌کارگیری راهبردهای پیشرفت نیاز به هماهنگ‌سازی سیاست‌های مختلف در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، دیپلماسی و اجتماعی دارد. سیاست درهای باز و توسعه تعامل سازنده با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای دارای فناوری‌های پیشرفته امکان استفاده از قدرت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را در جهت حفظ و پیشرفت کشور فراهم می‌سازد. استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی برای پیشرفت کشور جز حضور مؤثر در بازارهای جهانی از طریق روابط خوب با سایر کشورها راه دیگری ندارد. ❖

### پی‌نوشت‌ها:

- ازغندی علیرضا، ۱۳۸۴، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس.
- افتخاری اصغر، ۱۳۸۷، کالبد شکافی تهدید، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه.
- بانک جهانی، ۱۳۷۸، نقش دولت در جهان در حال تحول، ترجمه گروه مترجمین، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- پوراحمدی حسین، ۱۳۸۹، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات دانشکده باقرالعلوم.
- خرازی صادق، ۱۳۸۹، ماهیت قدرت هوشمند، پایگاه اطلاع رسانی دیپلماسی ایرانی.
- سریع‌القلم محمود، ۱۳۸۴، ایران و جهانی شدن، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- سیف‌زاده سید حسین، ۱۳۷۳، ماهیت سیاستگذاری خارجی، تهران، نشر قومس.
- رضایی محسن و مبینی دهکردی علی، ۱۳۸۵، ایران آینده در افق چشم‌انداز، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- رمضانی روح‌الله، ۱۳۸۰، چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- کاظمی علی اصغر، ۱۳۶۹، نقش قدرت در جامعه و روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس.
- کلیگ استوارت، ۱۳۷۹، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کیسینجر هنری، ۱۳۸۳، دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱، تهران: موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران.
- عسکری محمود، ۱۳۸۴، ویژگی‌های قدرت نرم، ماهنامه اطلاعات راهبردی، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره ۳۴، ۱۳۸۴
- مشیرزاده حمیرا، ۱۳۸۴، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.
- مطهرنیا مهدی، ۱۳۷۸، تبیین نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نای جوزف، ۱۳۸۷، قدرت نرم، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران،

دانشگاه امام صادق(ع).

نای جوزف، ۱۳۸۴، مزایای قدرت نرم، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۶، ۲۵ تیر ۱۳۸۴

Aghaie, Kamran, 2001, *Nationalism: Theory, Ideology, History*, UK: Polity Press.

Engelhardt, Tom, 2004, *Twenty First Century Gunboat Diplomacy*, www.commdreams.org (April, 2004).

George, Alexander, 2004, "Coercive Diplomacy". In the Robert Art and Kenneth Waltz, *The Use of Force*, Oxford: Rowman and Little Field.

Ikenberry, John, 2005, *American Foreign Policy*, New York: Preinceton University Press.

Meernik, James David, 2004, *The Political Use of Military Force in U.S. Foreign Policy*, Burlington: Ashgate.

Nye, Joseph, 2004, *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Polity

Onuf, N, 1989, *World of Our Making: Rules and Rule in Social Theory and International Relation*, Columbia: University of South Carolina Press.

Smith, Sir Rupert, 2005, *The Utility of Force*, Stirlingshire: Penguin.

US Army War College, 2006, *Guide to National Security Policy and Strategy* (Jun 2006), p. 219.

World Bank, 1997, *State in the Changing World*, New York: World Bank Publication.